

سرشناسه: قنبریان، علی، ۱۳۶۰، عنوان و نام پدیدآور: اسناد خاندان شیخ عبدالحسین تهرانی
موجود در کتابخانه شخصی فرید جواهرالکلامی / مؤلف: علی قنبریان (عبدالله
فیاض) / تهیه کننده: مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش فیاض» / مشخصات نشر: تهران:
میراث فرهیختگان، ۱۳۹۷ / مشخصات ظاهری: ۸۰ ص: مصور، نمونه.

شابک: 3-57-8898-600-978: ۱۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیفا / یادداشت: کتابنامه / موضوع: شیخ العراقین، عبدالحسین بن علی،
۱۲۸۶ ق / موضوع: تهرانی، محمدحسن / موضوع: وقف -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ ق --
اسناد و مدارک

موضوع: Waqf -- Iran -- History -- 19th century -- Sources

شناسه افزوده: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض

رده بندی کنگره: ۱۰۹۷ / ۲ / ۱۹۳ BP

رده بندی دیویی: ۳۷۲ / ۷ / ۲ / شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۸۵۲۱۲

اسناد خاندان شیخ عبدالحسین تهرانی

موجود در کتابخانه شخصی فرید جواهرالکلامی

مؤلف: علی قنبریان (عبدالله فیاض)

ناشر: میراث فرهیختگان

با نظارت و همکاری: مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش فیاض»

طرح جلد، صفحه آرای، و ویرایش (معماری کمال):

مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش فیاض»

چاپ اول / آذر ۱۳۹۷ شمسی / شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: 3-57-8898-600-978



۰۹۱۲ ۸۵ ۱۹۹ ۸۵
WWW.MIRATH-FARHAYEGHAN.COM

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف.....	۷
۱. معرفی احتشام العلما به عنوان متولی موقوفات مسجد و مدرسه مرحوم شیخ عبدالحسین.....	۱۳
۲. معرفی شیخ عباس احتشام العلما به عنوان متولی چندین مغازه در بازار تهران.....	۱۵
۳. عریضه صییه مرحوم شیخ محمدحسن صاحب جواهرالکلام ^{قدس سره} به ناصرالدین شاه قاجار.....	۱۷
۴. عریضه شیخ علی به ناصرالدین شاه.....	۲۱
۵. اجاره پنج باب دکان موقوفه مرحوم درالملک به آقا شیخ صادق مدرّس.....	۲۳
۶. وکالت دادن علی جواهرالکلامی به حاجی محمد برهانی.....	۲۵
۷. تأیید علمی علی جواهرالکلامی از طرف مسئول مدرسه ثروت.....	۲۷
۸. وکالت علی جواهرالکلامی به حاجی محمد برهانی در تنظیم بودجه مدرسه و مسجد شیخ عبدالحسین (مشهور به آذربایجانی).....	۲۹
۹. دادخواست حاجی محمد برهانی و رأی هیئت رسیدگی ششم از اداره کل تحقیق سازمان اوقاف.....	۳۱
۱۰. وقف خانه واقع در کوچه افشارها قرب گذر قلی بر مصارف تعزیه داری و تولیت علی جواهرالکلامی بر آن.....	۳۹
۱۱. زندگانی خودنوشت.....	۴۳
۱۲ و ۱۳. دو سواد از وقف نامه مادر امیرکبیر.....	۴۷
۱۴. مصالحه مشهدی علی با آقا سیدعلی کاشانی.....	۵۱
۱۵. سند مربوط به آقا سیدعلی مجتهد کاشانی.....	۵۴



۱۶. نامه تسلیت ۵۷
۱۷. مرحوم میراز حسن خان وزیر نظام ۶۳
۱۸. اجاره نامه املاک کاشان ۶۷
۱۹. اجاره دادن دو باب دکان در قرب بازار عباس آباد از طرف شیخ محمد حسن ۶۹
۲۰. معرفی صبیّه شیخ محمد حسن نجفی (زهرا) به عنوان قیم علی جواهرالکلامی .. ۷۱
۲۱. واگذاری امور مدرسه شیخ عبدالحسین به علی جواهرالکلامی ۷۳
- منابع و مآخذ کتاب ۷۵

www.ketab.ir

مقدمه مؤلف

کتاب حاضر در حیطه موضوع اسناد و متون کهن است. دو نکته مهم را وظیفه خودم می‌دانم مطرح کنم:

نکته اول

اسناد و نسخه‌های خطی بسیاری در کتابخانه‌های ایران به زبان غیرفارسی وجود دارد که حاوی مطالب ذی‌قیمتی است و هنوز تصحیح، بازخوانی، و احیا نشده‌اند. نسخه‌پژوهان، سندی‌شناسان، زبان‌غیرفارسی (مانند انگلیسی) را نمی‌دانند لذا فقط سراغ متون کهن فارسی و عربی می‌روند. به نظر من لازم است که تمهیداتی اندیشیده شود و در دانشگاه‌ها، مؤسساتی که زبان‌های غیرفارسی تعلیم داده می‌شود، چندین واحد درسی هم روش تصحیح و ارزیابی دست‌نوشت‌های اصیل آموزش داده شود تا برخی از فارغ‌التحصیلان این دروس، تحقیقات و پایان‌نامه‌های خویش به تصحیح متون کهن غیرفارسی روی آورند. لاجرم امید شایسته و راهنمای چنین دانشجویانی تیمی خواهد بود متشکل از اساتید نسخه‌شناس و اساتید زبان‌دان. به امید چنین روزی؛ آمین.

نکته دوم

چندسال گذشته در کارگاه آموزش نسخ خطی با تدریس استاد سیدعبدالله انوار در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی شرکت کردم. ایشان نکته‌ای مفید و درخور مطرح کردند. فرمودند «شخصی که وارد حوزه تصحیح متون و اسناد می‌شود، لاجرم لازم است که ادبیات عرب را به خوبی بداند و از علم صرف و نحو... توشه‌ای اندوخته باشد».

واقعاً حرف حساب شده و درستی بیان کردند. در زمان‌های گذشته (مانند دوران صفویه و قاجار) از الفاظ و عبارات عربی در مکتوبات و نوشته‌ها بسیار استفاده می‌شد. غالباً نوشتارهای پیشینیان ما مزین به آیات و روایات بود.

نویسنده سطور خداوند متعال را شاکر است که توفیق علم آموزی و یادگیری زبان قرآن (زبان عربی) را در حوزه علمیّه تهران و قم به وی نصیب کرده است؛ به ویژه آنکه در حوزه علمیّه آیت الله مجتهدی علم ادبیات عرب و دیگر علوم حوزوی را به علت وجود اساتید متخصصی همچون استاد آقا جواد کاشانی به خوبی و عمیق فراگرفتم. حال که صحبت از آیت الله شیخ احمد مجتهدی شد، از باب الکلام یجرّ الکلام، دو خاطره ایشان نقل می کنم:

خاتمه اول

سال اول المبگی در حوزه علمیّه شیخ عبدالحسین تهرانی درس خواندم. خداوند توفیق داد که با آن رات بسیار خوب پایه اول را به اتمام رساندم. از آنجا که اوصاف حوزه علمیّه آیت الله مجتهدی را شنیده بودم، تصمیم گرفتم به آنجا انتقال پیدا کنم. وقتی به مدیریت مدرسه شیخ عبدالعزیز، حجت الاسلام والمسلمین نبی زاده (که هم اکنون امام جماعت مسجد همت مل باسد) موضوع را گفتم مخالفت کرده و به آیت الله خسروشاهی (متولی مدرسه شیخ عبدالحسین) خبر دادند.

تابستان بود و در حجره ای تک نفره ساکن بودم. یک روز آیت الله خسروشاهی آمدند و مانع از رفتن من شدند. وقتی اصرار من بر رفتن را مشاهده کردند، فرمودند که استخاره می گیرم اگر بد آمد بمان. خلاصه نتوانستند مانع من شوند. در تابستان رفتم حوزه آیت الله مجتهدی و درخواست انتقالی کردم. مدیر داخلی آنجا دکتر نصیری بود. کارنامه ام را دیده و مرا نزد یکی از اساتید فرستاد و از من صمدیه امتحان گرفت و عبارات صمدیه را خواندم، تجزیه و ترکیب، و معنا کردم و قبول شدم. بعد آقای نصیری برای شروع درس تاریخی را معین کردند. در تاریخ معهود رفتم آنجا و دیدم آیت الله مجتهدی در مسجد است و آقای دکتر نصیری کنار ایشان ایستاده و تعداد زیادی طلبه که همه قصد انتقال به آن حوزه را داشتند در مسجد نشسته اند.

آیت الله مجتهدی شروع به صحبت کرد و فرمودند که من شما را سه دسته می‌کنم. آن‌هایی که نورانی باشند اصحاب الیمین بوده و سمت راست بنشینند و قبول هستند و آن‌هایی که تاریک باشند اصحاب الشمال بوده و سمت چپ می‌نشینند و رد هستند و آن‌هایی که مذبذبین بین ذلک هستند در وسط می‌نشینند. در جلسات شب چند ماهی را شرکت کنند اگر حاج آقا برخوردار (نویسنده کتاب‌های «آداب الطلاب»، «آفات الطلاب»، «احادیث الطلاب») آن‌ها را تأیید کردند از آن‌ها ثبت‌نام به عمل آمده و رسمی می‌شوند.

خلاصه دکتر نصیری اسم را می‌خواند و نوعاً اصحاب الشمال می‌شدند و من هم بسیار نگران بودم. به ره آنکه چندین نفر از آشنایان در مسجد حضور داشتند و پیش خود می‌گفتم اگر مراد کند بسیار بد می‌شود. کلی صلوات فرستادم و ذکر گفتم تا اینکه دکتر نصیری اسم من را خواند. رستم نزد آیت الله مجتهدی نگاهی به من کرده و فرمود که در سمت راست بنشینم. تنسی به راحتی کشیده و خدا را شکر کردم و چهار سال از بیانات و سخنرانی‌های اخلاقی ایشان استفاده کردم و چندین مرتبه هم از دستشان کتاب‌هایی مانند «آداب الطلاب» را هدیه گرفتم.

خاطره دوم

آیت الله مجتهدی بسیار روحانی با اخلاق و با تقوایی بود. خدا را شکر کند. در یک سال بین مراجع در حلول ماه مبارک رمضان اختلاف شد و در نتیجه در مورد شب‌های قدر نیز اختلاف داشتند. ایشان با آنکه تقریباً ۸۰ سال سن داشتند، برای آنکه به احتیاط عمل کنند، شش شب را احیا گرفتند. سه شب در حوزه با طلاب و سه شب نیز در منزلشان به تنهایی.

درباره کتاب حاضر

در تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی که در سال ۱۳۹۷ شمسی درباره شیخ عبدالحسین تهرانی انجام می‌دادم با آقای فرید جواهرالکلامی آشنا شدم. ایشان از طرف پدر، از

نوادگان شیخ عبدالحسین تهرانی (فرید جواهرالکلامی فرزند علی جواهرالکلامی فرزند شیخ محمدحسین فرزند شیخ علی سراینده دیوان معراج محبت فرزند شیخ عبدالحسین تهرانی) و شیخ محمدحسن نجفی صاحب کتاب ارزشمند جواهرالکلام (به دلیل انتساب این خانواده به شیخ محمدحسن نجفی، نام خانوادگی‌شان جواهرالکلامی می‌باشد) است.

از صفت‌ها و خاطرات آقای فرید جواهرالکلامی بسیار استفاده کردم و آن‌ها را در این کتاب در کتابی چاپ و منتشر خواهم کرد. ایشان در کتابخانه شخصی‌شان اسنادی داشتند که از جدادشان به ایشان رسیده بود. اسناد حاوی مطالب ارزشمندی بود که معارف و اطلاعات مفیدی درباره خاندان شیخ عبدالحسین تهرانی به دست می‌داد. ایشان را جوت اسکن اسناد مجاب و تحریک کردم. اسناد را به بخش نسخ خطی کتابخانه مجلس بردیم و با مساعدت دوست محققم جناب آقای محمود نظری (ریاست بخش نسخ خطی کتابخانه مجلس) اسکن تمامی آن‌ها را تهیه کردیم. در کتاب حاضر تصاویر اسناد مذکور را آورده‌ام. توضیحاتی درباره هر یک داده‌ام. در مجموع ۲۱ سند است. غالب اسناد متعلق به خاندان شیخ عبدالحسین تهرانی است و تعدادی نیز متعلق به شخصیتی است (مانند مادر امیرکبیر) که به نحوی با این خاندان ارتباط دارد. ۵ سند متعلق به دوره پهلوی و ۱۶ سند متعلق به دوره قاجار است.

حال لازم است شخصیت‌شناسی مربوط به اسناد را انجام دهیم و ارتباط شخصیت‌های در اسناد را با شیخ عبدالحسین تهرانی (شیخ العراقین) متوفای ۱۲۸۶ قمری روشن کنیم:

الف) سندهای شماره ۱۲ و ۱۳ متعلق به مادر امیرکبیر است. در این دو سند وی املاکی را وقف کرده و تولیت آن‌ها را همانند فرزندش امیرکبیر به شیخ عبدالحسین تهرانی واگذار کرده است.

(ب) سند شماره ۱۷ متعلق به زین العابدین بن ابی القاسم است. وی از مرتبین شیخ عبدالحسین تهرانی است.

(پ) سندهای شماره ۴ و ۵ متعلق به شیخ علی نویسنده دیوان «معراج محبت» است. شیخ علی فرزند شیخ عبدالحسین تهرانی است.

(ت) سندهای شماره ۳ و ۲۰ متعلق به زهرا است. زهرا همسر شیخ علی (نویسنده دیوان معراج محبت) و صبیّه شیخ محمدحسن نجفی و از نوادگان مرحوم بحرالعلوم است.

(ث) سند شماره ۱۶ متعلق به آقا اسدالله آل آقا است. ایشان از علمای کرمانشاه و داماد شیخ عبدالحسین تهرانی است.

(ج) سند شماره ۱۴ متعلق به آقا سیدعلی کاشانی است. صبیّه وی همسر شیخ محمدحسن و مادر علی جواهرالکلامی است. آقا سیدعلی کاشانی امام جماعت مسجد بازار پاچنار بوده است.

(چ) سند شماره ۱۵ متعلق به صفرا خانم از منسوبین آقا سیدعلی کاشانی و دختر مرحوم اکبرخان سرتیپ است.

(ح) سندهای شماره ۱ و ۲ متعلق به شیخ عباس احسان الیما است. وی نوه شیخ عبدالحسین تهرانی و شیخ محمدحسن نجفی (نویسنده کتاب ارزشمند جواهرالکلام) است. پدر و مادرش علی و زهرا هستند. علی صاحب دیوان «معراج محبت» پسر شیخ عبدالحسین و زهرا صبیّه شیخ محمدحسن نجفی است. بنا به گفته آقای فرید جواهرالکلامی، مرحوم احتشام العلما از روحانیون بوده و داماد شیخ فضل الله نوری است و مقبره اش در شهر ری امامزاده عبدالله می باشد.

(خ) سند شماره ۱۹ متعلق به شیخ محمدحسن است. وی فرزند شیخ علی (نویسنده دیوان «معراج محبت») است.

(د) سندهای شماره ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۲۱ متعلق به علی جواهرالکلامی است. وی فرزند شیخ محمد حسن و نوه شیخ علی (نویسنده دیوان «معراج محبت») و آقا سید علی کاشانی است.

(ذ) سند شماره ۱۸ متعلق به شمس الملوک است. وی همسر علی جواهرالکلامی است.

واژگان لیدی اثر حاضر عبارت اند از: سند، تصحیح، شیخ عبدالحسین تهرانی، جواهرالکلامی، شیخ محمد حسن، و مسجد و مدرسه مرحوم شیخ عبدالحسین. و در نهایت:

هر که درین زمان ساری کند
مرا هم دعای به خیری کند
﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ﴾^۱

علی قنبریان^۲

پژوهشگر میراث اسلامی

تهران / مسجد همت

۴ ربیع الثانی ۱۴۴۰ قمری

ولادت حضرت عباس (ع) الحسنی (علیه السلام)

علی
قنبریان